

گزارش تاریخی

روایت حسین مکی از مبارزه شهید مدرس با جمهوری رضاخانی

سکه‌هایی که روی دست سردار سپه ماند!



«حسین مکی»، سیاستمدار و مورخ مشهور معاصر، در جلد دوم کتاب «تاریخ ۲۰ ساله ایران» می‌نویسد: «پس از آن که انتخابات شعب مجلس

[پنجم] به عجله خاتمه یافت، بلاد رنگ مجلس شروع به گذراندن اعتبار نامه‌ها نموده که تا چند روز به عید نوروز مانده، عده اعتبار نامه‌های تصویب شده به حد نصاب رسیده باشد تا مجلس صلاحیت طرح مسئله جمهوری را داشته، به تلگرافات مصنوعی که از ایالات و ولایات در اثر فشار رؤسای قشونی راجع به انزجار و تنفر از سلسله قاجاریه مخابره شده بود، رسیدگی نماید. رضاخان سردار سپه، از هر جهت آماده ایجاد جمهوری در ایران بود و قرار بود به عنوان رئیس‌جمهور، قدرت را به دست بگیرد. همراهان او، مقدمات کار را فراهم کرده بودند. «مکی» می‌نویسد: «حتی برای عیدی دادن در عید نوروز رئیس‌جمهور هم پیش‌بینی کرده و مقداری سکه طلا و نقره به نام جمهوری که قبلاً ضرب شده بود، تهیه و تدارک دیده بودند. «با این حال، هنوز در مجلس شورای ملی نمایندگانمانند آیت‌الله... سیدحسن مدرس حضور داشتند که نتوانند جلوی اقدامات خودسرانه سردار سپه را بگیرند. این عده، در گام نخست، تصمیم گرفتند با استفاده از ظرفیت قانونی، مانع تصویب شدن طرح جمهوری رضاخانی شوند. راهبرد سیاسی تعریف شده برای این اقدام، ممانعت از رسمیت یافتن مجلس شورای ملی بود. «مکی» می‌نویسد: «اولاً، مدرس و رفقایش سعی می‌کردند که از گذشتن (تصویب شدن) اعتبار نامه‌های عده‌ای از آن و کلایی که به دستور سردار سپه انتخاب شده و یا با مشارالیه تیبانی داشته‌اند، ممانعت به عمل آورند تا بلکه بتوانند عده‌ای از عناصر ناپاک را از مجلس خارج کنند. ثانیاً، در موقع گذشتن اعتبار نامه نمایندگان دیگر هم طوری وقت مجلس را اشغال نمایند که جلسات متعددی صرف شود و بالنتیجه، برای روز موعود «اول حمل» (اول) دستور دین عده اعتبار نامه‌های مصوبه به حد نصاب رسیده باشد تا مجلس صورت رسمیت و قانونی پیدا نماید، چه اگر مجلس با زمینه‌ای که برای آن تهیه دیده بودند، بدون شک چند روز مانده به عید رسمیت پیدا می‌کرد، سردار سپه بدون تردید رئیس‌جمهور می‌شد. «این اقدام شهید مدرس و همراهانش کارگر افتاد و رضاخان نتوانست طرح جمهوری را اجرایی کند. به این ترتیب، سکه‌های طلا و نقره جمهوری رضاخانی، روی دست سردار سپه ماند!

قاب تاریخی



سروان رضاخان، نگهبان منزل فرمانفرما!

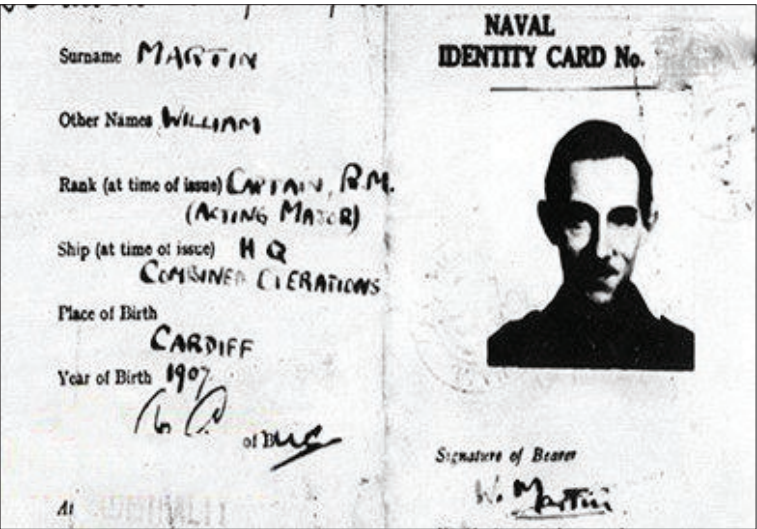
رضاخان به واسطه ارتباطات خانوادگی، جذب قزاقخانه شد. در آن زمان، نیروی قزاق، یکی از دو نیروی عمده نظامی کشور بود که زیر نظر روس‌ها، اما با بودجه دولت ایران، فعالیت می‌کرد. نیروی نظامی دیگر، ژاندارمری بود که می‌شد در آن عناصر وطن‌دوستی را هم یافت. رضاخان مدارج ترقی را در قزاقخانه، به تدریج طی کرد و در نهایت، به فرماندهی آتریاد (دسته سربازان) قزاق در همدان منصوب شد. با این حال، قزاق‌ها، طبق تعریفی که فرماندهانشان برای وظایف آن‌ها داشتند، موظف بودند خدمات مختلفی را به سران مملکتی ارائه کنند که پاسداری از منزل آن‌ها، یکی از این خدمات بود. در تصویری که ملاحظه می‌کنید، رضاخان (نفر چهارم از سمت راست)، در درجه «پاور» (سروان)، محافظ منزل فرمانفرماست و این عکس، در واقع تصویر یادگاری پاور رضاخان با یکی از اعضای خاندان فرمانفرما محسوب می‌شود. خاندان فرمانفرما، ارتباطات گسترده‌ای با انگلیسی‌ها داشت و عبدالحسین میرزا فرمانفرما، انگلوفیلی مشهور بود. نکته جالب در این عکس آن است که پاور رضاخان این تصویر، بعدها و در دوران سلطنتش، نصرت‌الدوله فیروز، فرزند عبدالحسین میرزا فرمانفرما را با زدن اتهام فساد، دستگیر و در نهایت، دستور قتل جعیه وی را صادر کرد. نصرت‌الدوله فیروز، یکی از طرفداران پروپاقرص رضاخان و از حامیان سلطنت او بود که گام‌های مؤثری در این مسیر برداشت. برخی معتقدند که خود عبدالحسین میرزا فرمانفرما نیز، در برکنشیدن رضاخان، نقش مستقیم ایفا کرده است. نکته دیگری که باید این عکس باید یادآوری کرد، این است که رضاخان، پس از تبدیل شدن به رضاشاه، به فکر مصادره اموال فرمانفرما هم افتاد و بسیاری از آن‌ها را، به زور از چنگ وی درآورد.

فریب دادن نازی‌ها با عملیات «گوشت قیমে»

جسدی که مسیر جنگ جهانی را تغییر داد



تصویری نه چندان با کیفیت از جسد گلیندور میشل در اسپانیا



کارت شناسایی جعلی میشل با نام ساختگی مارتین ویلیام

است. بلیت رفت و برگشت به نیویورک هم با تاریخ مد نظر، تهیه و در کیف گذاشته شد. انگلیسی‌ها به این مدارک متنوع و البته با محتوای رمانتیک، تعدادی برگه هم اضافه کردند که روی آن‌ها مهر محرمانه خورده بود. طبق کارت شناسایی موجود در کیف، جسد متعلق به یکی از افسران نیروی دریایی انگلیس به نام مارتین ویلیام بود که مسئولیت اطلاعاتی مهمی داشت. کار انتقال جسد به سواحل اسپانیا، با دقت خاصی انجام گرفت؛

تنهاراه ممکن این بود که کاری کنند تا آلمانی‌ها فکرشان را درباره حمله متفقین به سیسیل عوض کنند؛ یعنی هیتلرو فرماندهانش را وادارند که جور دیگری فکر کنند! این کار به نظر بسیار سخت و دشوار می‌رسید. چرچیل گفته بود که «هیتلر احمق نیست و هر آدم خنکی، می‌فهمد که ما می‌خواهیم به سیسیل حمله کنیم!»

کماندوهای انگلیسی، شبانه آن را در جایی که مأموران هنگ دریایی اسپانیا بتوانند پیدایش کنند، رها کردند. حال، همه چیز به اقدام اسپانیایی‌ها بستگی داشت. نام این عملیات، عملیات «گوشت قیمة» گذاشته شد! چرا؟ دلایلش را باید از طراح عملیات پرسید که البته، برای این کار، کمی دیر شده است!

■ نازی‌ها به دام می‌افتند

طراحان نقشه، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، درصد موفقیتشان را فقط پنج درصد می‌دانستند! اما انگار همین پنج درصد، معادل ۱۰۰ درصد بود! اسپانیایی‌ها پس از کشف جسد و مدارک همراه وی، ترجیح دادند موضوع را به نازی‌ها اطلاع دهند. اگر اطلاعات موجود در مدارک به دست آمده، صحت می‌داشت، خطر بزرگی منافع آلمان را در یونان و جنوب فرانسه تهدید می‌کرد و لازم بود نازی‌ها، نیروهای خود را در این دو منطقه تقویت کنند. دستگاه اطلاعاتی آلمان مدتی را در کنش و قوس قبول یار دادن اطلاعات گذراند. شکل کشف مدارک، کمترین شک را به ذهن آن‌ها وارد نمی‌کرد. بنابراین، پس از ساعت‌ها مذاکره، تصمیم گرفتند که نیروهای مستقر در جنوب ایتالیا را به یونان و فرانسه منتقل کنند تا برای اقدامات قریب الوقوع متفقین، آماده باشند. این خطر اهری دی، بسیار گران تمام شد؛ متفقین که مترصد اقدام آلمانی‌ها بودند، با رسیدن خبر آغاز انتقال نخستین واحدهای ارتش آلمان به یونان، دست به کار شدند و کوتاه‌ترین و امن‌ترین مسیرهای ممکن را برای دستیابی به سیسیل برگزیدند. چند روز پس از انتقال نیروهای ذخیره به یونان، حملات برق‌آسای متفقین آغاز شد و ارتش نه چندان قدرتمند ایتالیا، در برابر آن‌ها کاری از پیش نبرد. هیتلر که حاج‌وواج به فریبی که خورده بود می‌نگریست، به طرقة العینی هر آن‌چه را در جنوب اروپا دشت کرده بود، از دست داد! در واقع عملیات «گوشت قیمة» که همه پیروزی خود را مدیون جسد گلیندور میشل بود، مقدمه‌ای برای خارج شدن اروپای جنوبی از حوزه سیطره نازی‌ها محسوب می‌شد؛ آن‌ها دو سال پس از این عملیات، جنگ را باختند و هیتلر خودکشی کرد.



وینستون چرچیل

آگهی فراخوان مناقصه عمومی



شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

نوبت اول

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی پالایشگاه نهم در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تأمین نماید:

شماره رقاضا و مناقصه	EM-9840016 مناقضای R9/98/011
شرح مختصر اقلام درخواستی	VIBRATION MONITORING SYSTEM "VIBROMETE" MOD
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	پس از اتمام مرحله ارزیابی صلاحیت، مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به میزان ۱/۹۴۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار بصورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۵۰۶۵۹۹/۱۳۳۴۲۰۲ ت/۰۹/۲۲ ه ۹۴/۰۹/۲۲ هیئت وزیران می‌باشد. تبصره: در صورت ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار بصورت وجه نقد، مبلغ نقدی می‌بایست به شماره حساب ۰۹۷۳۱۴۶۳۷۸۴ - بانک ملی شعبه کنگان بنام بنام پالایشگاه نهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی واریز و فیش واریزی ارائه گردد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۳۸/۹۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
تاریخ گشایش پاکت های فنی	۱۳۹۸/۱۰/۱۴ تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات	۱۳۹۸/۱۰/۰۲ تاریخ گشایش پاکت مالی
آدرس و تلفن مناقصه گزار	استان بوشهر، شهرستان کنگان، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس سایت ۲، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، فاز ۱۲، پالایشگاه نهم، اداره تدارکات و امور کالا، واحد خرید، تلفن: ۰۷۷۳۱۴۶۳۷۸۴ - ۰۷۷۳۱۴۶۳۷۸۴

مناقصه گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت **WWW.SPGC.IR** مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۷۷۳۱۴۶۳۷۸۴ - ۰۷۷۳۱۴۶۳۷۸۴ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شماره مجوز: (۱۳۹۸.۴۲۲۹)